

خدا هست ، مرا دوست دارد ، این برایم کافیست

تدریجاً به او مکشوف ساخت . زمانیکه یهودیان در بردگی در مصر بسر می بردند توسط موسی نبی آنها را رهانید و پس از ۴۰ سال زندگی در بیابان به سرزمین موعود رسیدند ، وقتی که بعنوان اسیر به کشور بابل برده شدند باز خدا آنها را آزاد ساخت و به اورشلیم بازگشتند. قوم نجات یافته برای سپاسگذاری از خدا این سرود را سرائید: "با صبر بسیار انتظار کشیدم تا خداوند مرا کمک کند ، پس او گوش داد و ناله ام را شنید. او مرا از لجن زار و گودال هلاکت بیرون کشید و بر روی صخره ای مطمئن قرار داد. او سرودی تازه به من آموخت ، سرود شکر گزاری از خدای ما ، عده زیادی چون این را ببینند ، به خود میانند و بر خداوند توکل خواهند نمود. خوشبحال کسانیکه به خداوند توکل می نمایند و از اشخاص مغرور و بت پرست پیروی نمی کنند. ای خداوند خدای ما ، هیچ کس مانند تو نیست ، تو همیشه به فکر ما بودی و برای ما کارهای عجیب کردی به حدی که نمی توان آنها را بر شمرد و زبان من نیز از بیان آنها عاجز است" (مزمور ۴۰ آیه ۱-۵).

اما با آمدن مسیح جامعه بشریت آگاهی عمیقتر و کاملتری از وجود خدا که منشاء فیض و برکت است بدست آورد. به شهادت یحیی تعمید دهنده درباره مسیح توجه کنیم: "شهادت یحیی این بود که فریاد میزد و می گفت: این (مسیح) همان شخص است که

دوستان گرامی ، احتمالاً عنوان این مقاله برای شما سؤال بر انگیز و یا تعجب آور باشد : در عرض ۱۵ سال اخیر در حدود ۱۵۰ مقاله توسط «نشریه پیام» برای شما ارسال نمودم ، امیدوارم این مقاله ها جهت آگاه بودن از هویت و رسالت مسیحی شما مفید و مثمر ثمر واقع شده باشد. اما مقاله امروز از دیدگاه من یکی از مهمترین آنها می باشد. چون موضوعی که در آن مطرح شده است مستقیماً با انگیزه و هدف زندگی هر یک از ما مرتبط است . تجربه نشان داد که روزی می آید و هر انسان از خود این سؤال اساسی و سرنوشت ساز را می پرسد ، از کجا آمده ام؟ چرا چندین سال روی زمین بسر می برم و بعداً می میرم؟ پس از مرگ چه چیزی در انتظار من است، جهنم ، بهشت یا نیستی کامل؟

غالباً مطرح کردن چنین سئوالات همراه با نگرانی و ترس و اضطراب می باشد. اما ما مسیحیان در پرتو نور وحی الهی که بر انبیاء عهد قدیم نازل گردیده و در شخص خداوند ما عیسی مسیح به حد کمال رسیده است پاسخ صحیح و قانع کننده این پرسشها را دریافت کرده ایم .

تجربیات قوم یهود در عهد قدیم باعث شد تا این قوم از وجود خدای یگانه آگاه بوده و به او ایمان بیاورد. خدای زنده و نادیده توسط کارهائیکه جهت نجات قوم برگزیده اش از بردگی و گمراهی انجام داد راز خود را

درباره او گفتم که بعد از من میاید اما بر من برتری و تقدم دارد ، زیرا پیش از تولد من ، او وجود داشت . از فیض سرشار او، پیوسته برکات فراوانی یافته ایم . زیرا شریعت بوسیله موسی عطا شد ، اما فیض و راستی توسط عیسی مسیح آمد. کسی هرگز خدا را ندیده است ، اما آن فرزند یگانه ای که در ذات پدر و از همه به او نزدیکتر است او را شناسیده است " (یوحنا باب ۱ آیه ۱۵-۱۸) .

طبق شهادت یحیی ، مأموریت اصلی عیسی مکشوف ساختن راز پدر و شناساندن او به ما می باشد. تنها او بود که می توانست ما را با این حقیقت جاودانی و اسرار آمیز آشنا کند ، چون او بعنوان پسر ، از ابتدا و قبل از هر زمانی با پدر مقدسش بود. "در ازل کلمه بود ، کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود ، از ازل با خدا بود. همه چیز بوسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد. حیات از او بوجود آمد و آن حیات نور آدمیان بود. کلمه انسان شد و در میان ما ساکن گردید. ما شکوه و جلالش را دیدیم ، شکوه و جلال شایسته فرزند یگانه پدر و پر از فیض و راستی" (انجیل یوحنا باب ۱ آیه ۱-۵ و آیه ۱۴).

دوستان عزیز: کلمات از وصف راز خدای واحد و سه گانه عاجز است ، اما از راه تعالیم و کارهای مسیح و مخصوصاً مرگ و رستاخیزش این راز شگفت انگیز و حیرت کننده بحد اعلی تجلی یافت . عمیقترین و زیباترین بیان این راز در عشق و محبت او برای کل بشریت شکل گرفت . بدون شک و تردید و با کمال اطمینان می توان گفت که تجلی عشق الهی برای هر انسان توسط عیسی مسیح به تحقق رسید. لیکن خدا منتظر پاسخ ما نسبت به عشق و محبت او می باشد. تنها چیزیکه از ما می خواهد که عشق او را بپذیریم و اجازه دهیم که روز به روز بیشتر بسوی او جذب شویم . همچنین او از ما می خواهد که از طریق شهادت زندگی ، دیگران را نیز بسوی او جذب شده و از فیض عشق و محبت او بهره مند گردند. چون او

دوست دارد که همه مردم بدانند که : خدا هست ، او محبت است و سرچشمه حیات و زندگی جاودانی برای هر انسان می باشد.

خداوند ما عیسی مسیح کسانی که زندگی خود را به پول و ثروتهای این دنیا وابسته کرده و از خدا بی خبر هستند نابخرد و جاهل میدانند و آنانیکه خدا را بعنوان توشه و اندوخته زندگی خود را قرار داده اند خرد و دانا می باشند. (رجوع شود به انجیل لوقا باب ۱۲ آیه ۱۳-۲۱) . از روح القدس پیوسته و مصرانه بخواهیم تا ما را با خدای عشق و محبت مأنوس سازد تا حدی که مست او شویم . خوشبحال ما اگر روز به روز توسط دعای شخصی و دسته جمعی ، و از راه اعمال نیک و محبت آمیز ، حضور خدای زنده را هر چه بیشتر لمس و احساس کنیم و بتوانیم از ته دل و عمق وجدان و با علم یقین بگوئیم : حقیقتاً خدا هست ، ما را دوست دارد و این برای ما کافیست . "همچون آهوئی تشنه از پی آب روان ، جان من نیز برای تو ، ای خدای من ، مشتاق است . جان من تشنه خداست، تشنه خدای زنده ، تا کی توانم و رویش را ببینم" (مزمور ۴۲ آیه ۱-۲) .

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران

دوست داشتن یعنی چه؟

دوست داشتن این نیست که:

دیگری را اسیر خود بدانیم... شخصی را که دوست می‌داریم، بازیچه دست ما نیست، نباید او را متعلق به خود بدانیم. او موظف نیست تمام مدت جلوی چشمان ما باشد.

هر چه دیگری می‌خواهد با ما بکند... دوست داشتن کسی دلیل نمی‌شود که هر چه او بخواهد ما هم بپذیریم. مثلاً "اگر فلان کار را نکنی، دیگر با هم کاری نداریم!..." در چنین شرایطی باید از خود سؤال کرد و بدرستی چنین دوستی‌هایی را سنجید. باید در مواقع لازم "نه" گفتن را یاد بگیریم.

بجای دیگران تصمیم بگیریم... به خودتان اجازه ندهید که بجای دیگران تصمیم بگیرید... تحت هیچ شرایطی این کار معقولی نیست! آنچه برای شما خوب است شاید برای دیگری خوب نیست. بیش از راهنمایی و ابراز نظر آن هم در صورتی که خواسته باشند، هتک حریم دیگری است!

دوست داشتن این است که:

پذیرفتن اختلاف سلیقه و نظر... شخصی که مورد محبت ما است، نمی‌تواند همیشه با ما تفاهم داشته باشد. و این امریست بسیار عادی. همه ما با هم فرق داریم. تفاوت‌های ما با یکدیگر باعث می‌شوند که بهتر شخص خودمان را بشناسیم. اختلاف نظر و سلیقه با دیگران، ما را متوجه محدودیت‌ها و اشکالات خودمان می‌کند. با شناختن عمیق‌تر خودمان، دیگران را عمیق‌تر درک خواهیم کرد.

دیدن دیگری آنطوری که هست... شخصی که مورد محبت ما است، دارای صفاتی است که دوست داریم و عیوبی که از آنها متنفریم! شاید با خودمان بارها گفته باشیم: اگر می‌توانستم این اخلاق او را عوض کنم!!! اما بدانید که "دوست داشتن" کار آسانی نیست. دوست داشتن یعنی پذیرفتن اینکه طرف من آدم کاملی نیست و مثل خودم در حال رشد است.

درک کردن و بخشیدن... بخشیدن کسی که از طرف او به ما بدی رسیده باشد، همیشه آسان نیست. اما آنچه که مسلم است گذشتن از درگیری لفظی و اختلافات باعث می‌شود که بتوانم "با هم" بیشتر و دورتر برویم.

نگاه دیگری به زندگی

او برای کسانش طلب تسلی نکرد
بلکه خواست تا به دفاع از حیات
آن را احترام نهند و برای بهبود آن بکوشند
و بالاخره با آهنگی دل انگیز شادی حیات را برای همگان بسرایند.

خداوندا، دوست من رنجش را به تو تقدیم نکرد
چون می گفت رنج یک بدی است
و خدا رنج و بدی را دوست ندارد
بلکه او مبارزه طولانی و
پر عذابش بر علیه
رنج و درد را تقدیم تو نمود.
نیروی این مبارزه و قوت آن
از تو بود، ای خداوند.
قدرت عشق و ایمان لازم را
تو به او بخشیدی تا به دام یاس نیافتد
تو او را ایمان به زندگی بخشیدی
همان زندگی ای که تو آن را از بطن
مرگ برخیزاندی .

دوست من رنج و دردش را به تو تقدیم نکرد
اما مثل تو و با تو ای مسیح ،
نجات دهنده ،
زندگی اش را بخشید
تا زندگی در ما ادامه یابد.

خداوندا ، دوست من امشب مرد
و من گریستم
اما قلب من آرام بود
چون مرد و با تو
به من حیات بخشید.

خدایا!

نیزه سختی ها و راه دشوار زندگی مجروحم کرده است
در معبد درون می نشینم که معبد عشق است .
شاهد عشق تو ،
در درونم جاری می شود
و تمامی جراحاتم را التیام می بخشد.

خداوندا ، دوست من امشب مرد. تا آخرین نفس و تا آخرین
دقیقه زندگی او به همراه خانواده و طبیبانش
با سرطان مبارزه کردند.

خداوندا، من نگفتم که این خواست تو بود من از اراده مقدس تو
چیزی نگفتم . بلکه خیلی آهسته ،
آنقدر که کسی نشنود، چون هیچکس نمی توانست
مرا درک کند، آری، با زمزمه ای گفتم که
خدایا دوست من مرد و تو هیچ کاری نتوانستی بکنی!
آنچه که دیوانه وار انتظارش داشتم آنچه که مثل یک احمق به آن
امید بسته بودم ، نشد!
گریستم
شکستم
تکه شدم
اما قلبم آرام بود.

امروز صبح فهمیدم که تو با من می گریستی!

خداوندا، از رحمت تو و به خاطر دوست خوبم
من فهمیدم که تو مرگ را نمی خواهی بلکه حیات را
حتی بیشتر از ما، چون بیش از ما محبت داری .
یاریم کن تا به این ایمان داشته باشیم!
مرگ زودرس فرزندان باعث رنج توست .

فهمیدم که غیر از موارد استثنایی
که این هم در راز تو نهفته
تو ای خداوند به خاطر عشق و اطمینان به انسان
هرگز به جای ما تلاش و مبارزه نمی کنی
بلکه همراه ما می جنگی و عذاب می کشی .
آری فهمیدم ...

چون دوست من هرگز از تو معجزه ای برای خودش نخواست
دعای او برای طبیبان معالجش بود
تا نیروی تحقیق و قوت مبارزه با بیماری یابند.

او برای خود، قدرت تحمل خواست
نیروی مواجه شدن با دو عمل سخت و آزمایشات بعدی
برای اینکه بیماران بعد از او کمتر عذاب ببینند و حتی شفا یابند.

جوانان چه می جویند؟

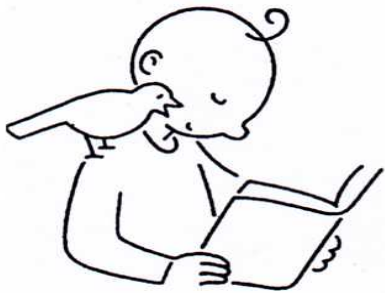
- ✚ تا بتوان به آرامش دست یافت .
- ✚ تا بتوان با بدیها بیگانه و با خوبیها انس گرفت .
- ✚ تا بتوان کینه ها را از قلبهایمان بزداييم و حس انتقام جویی را از ذهنمان محو سازيم .
- ✚ تا بتوان با مهربانی و گذشت دست داد و بر گونه دوست داشتن و عشق ورزیدن بوسه زد.
- ✚ تا بتوان دست افتاده ای را در دستهایمان به گرمی بفشاريم و او را از منجلاب بدبختی رها دهيم .
- ✚ تا بتوان تولد دوباره ای یافت .
- ✚ تا بتوان جلال خدا را دید و کلام خدا را در کتاب مقدس جستجو کرد و به سنگر آرامش پناه برد.

نه تنها یک جوان بلکه آرزوی قلبی هر انسانی است که زندگی سعادت‌مندانه ای همراه با صلح و صفا و آکنده از محبت و دوستی و پر از ایمان و امید داشته باشد.

اما ما آن قدر در مشکلات خود غوطه ور هستیم که فقط خود را می بینیم و در انتظار ظهور معجزه ای هستیم تا بلکه خوشبختی کامل پیدا کنیم و از هر نوع ناراحتی نجات یابیم .

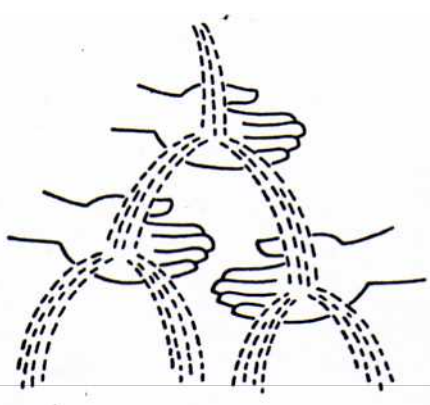
امروزه ، زور و قدرت ، ظلم و ستم در جاهاییکه خدا را نمی شناسند بیداد می کند و تمام مشکلات و ناراحتی در نتیجه آن به وجود می آید.

پس ای جوانان عزیز دلهای خود را پر از ایمان و اعتماد نمایید:



"محصول فراوان است، ولی کارگر کم"

هم اکنون دعایی جهت روز بشارت ایمان به شما عزیزان ارائه می دهیم امید داریم که این دعا در تقویت و بشارت ایمان شما مثمر ثمر واقع شود.



"محصول فراوان است ، ولی کارگر کم"

ای خداوند ، از تو می خواهیم :

کارگرانی برای محصول خود بفرست !

باشد که ملکوت تو را اعلام نمایند و بیماران را شفا دهند.

در حالیکه مژده تو را در سراسر جهان بشارت می دهند

عطا فرما که عاری از قدرت پول و نیروی دنیوی بوده ،

فقط عاملان محبت و آرامش تو باشند.

بگذار تمام زندگی آنان اعلامگر این پیام باشد که :

"ملکوت خدا به شما نزدیک شده است!"

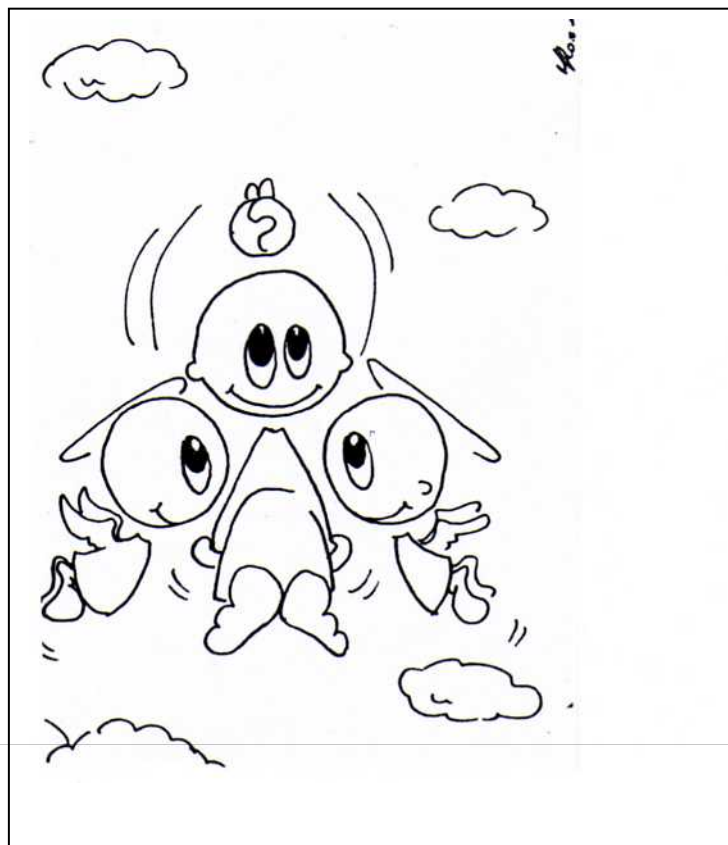
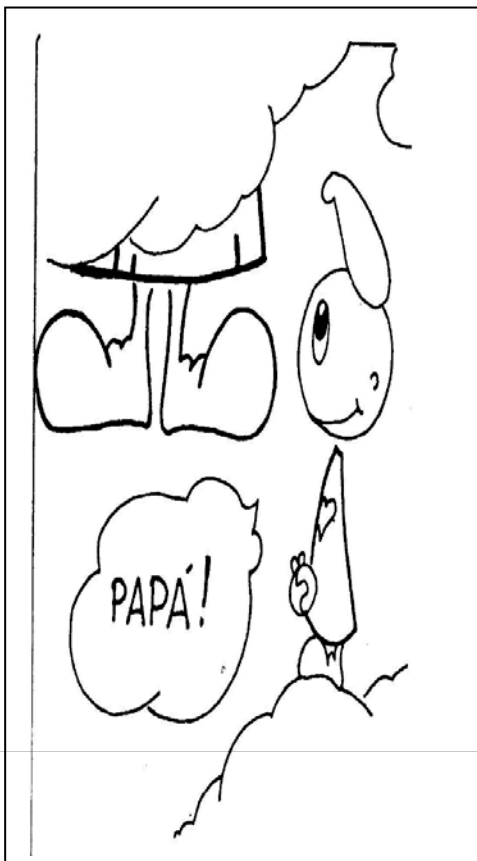
اکنون باید ایمان داشته باشید

عیسی مسیح بعد از برخاستن از مرگ ، بارها بر شاگردانش ظاهر شد. در طول چهل روزی که بر زمین ماند برای ایشان چیزهای زیادی تعریف کرد.

عیسی که از مرگ برخاسته بود ، روزی که با شاگردانش در باغ جتسیمانی بود ، به ایشان گفت : از اورشلیم دور نشوید و برای چند روز منتظر بمانید. آنگاه شاگردان از عیسی پرسیدند: پس کی ملکوتی که خدا قول داده بود ، می رسد؟ عیسی به آنها جواب داد: این به شما مربوط نیست که بدانید چطور و کی این جهان نو فرا می رسد. اما بدانید که تا چند روز دیگر شما نفس تازه ای خواهید یافت . روح خدا بر شما خواهد آمد و از نیروی خودش به شما خواهد داد. آن وقت شما شاهدان من خواهید شد. شما به همه خواهید گفت که من زنده هستم . تا همه آنانی که در یهودیه در سامره و در سایر سرزمینهای جهان هستند بدانند و ایمان آورند که نجات رسیده است .

ناگهان همانطور که عیسی در حال حرف زدن بود ، به آسمان برده شد. شاگردان حیرت زده عیسی را با نگاهشان بدرقه می کردند. دو سفیدپوش که فرستاده خدا بودند ، در کنار شاگردان حاضر شدند و گفتند : چشمان شما دیگر عیسی را نخواهند دید ، اما او در کنار پدر برای ابد زنده است .

ایمان داشته باشید که عیسی همیشه با شما است ، حتی در سختی ها وقتی که کمتر حس می کنید که خدا با شما باشد.



کوهنوردی مدرسه اخلاق است

کوه پیمایی و کوهنوردی ورزشی شاد است. حتی کوه پیمایی در دامنه ها و منطقه های نه چندان بلند نیز اثر فرحبخش و شادی آور خود را بر تن و جان ما می گذارد.

کوه پیمایی از بهترین ورزش ها و تفریح هاست که به خاطر تحرک در هوای آزاد و پاک ، بیشترین تأثیر را در بازسازی بدن و روح انسان دارد.

کوهنوردی یک ورزش انسان ساز است که با وسایل ویژه و آمادگی جسمی و روحی و برنامه ریزی و دانش کوهنوردی ، اجرا می شود.

رسیدن به قله ها علاوه بر آمادگی تن و روان ، نیازمند جهت شناسی و نقشه خوانی ، هواشناسی ، بهمین شناسی ، آشنایی با تغذیه و امداد کوهستان و ... است.

اما پیش از اینها نیازمند سازماندهی و مدیریت و روش هدایت گروه است.

در این ورزش زیبا:

* رفاقت به جای رقابت حاکم است.

* هیچ وقت در پایان کوهنوردی دست یکی را بالا و دیگری را پایین نمی برند و بنابراین جایی برای خودنمایی نمی ماند.

* در این ورزش کسی راه دیگری را سد نمی کند و تنه نمی زند.

* اینجا بدون داور و سوت و زنگ ، هیچکس اشتباه نمی کند و همه به یکدیگر خسته نباشید می گویند.

* بدون هیچ دیدار و آشنایی قبلی همه با هم دوست هستند و سر سفره یکدیگر می نشینند.

* کمک به در راه ماندگان و سرمازدگان وظیفه همه است.

* نشان دادن راه و هشدار دادن خطر یک عادت است.

* به کسی که هیچ گاه او را ندیده ای و شاید در آینده هم هیچ گاه او را نبینی کمک می کنی چرا که کوه چنین ایجاب می کند.

پس کوهنوردی مدرسه اخلاق است.

از نظر کسانی که عادت دارند زیبایی برف را از پشت شیشه و از کنار بخاری تماشا کنند ، کوهنوردی نوعی دیوانگی است. آخر برای چه کسی این همه راه برود ، بار به دوش بکشد ، با دستان بی حس شده و تن سرمازده ساعت ها درون چادر یا جان پناه ، بلرزد ، بی خوابی و کوفتگی را تحمل کند ، سرانجام خسته و تشنه و گرسنه خود را به بالای کوه برساند و به پایین برگردد؟!

کسی که هیچ گاه لذت رسیدن به قله را نچشیده ، کسی که تن به طبیعت نسپرد و با آن دوست نشده حق دارد چنین بیاندیشد. جورج مالوری کوهنورد پر آوازه و از پیشکسوتان فتح اورست در پاسخ به این پرسش که چرا به کوه می رود ، می گوید: چون قله آن بالا است. **پیش به سوی قله های اخلاق و**

مهربانی.

اخبار و تقویم کلیسایی

- یکشنبه ۱۳ مهر ۹۳ = ۵ اکتبر ۲۰۱۴، یکشنبه دوم صلیب

رساله: فیلیپان فصل ۳ آیه ۱۱ الی ۱۴

انجیل: متی فصل ۱۷ آیه ۱۴ الی ۲۷

- یکشنبه ۲۰ مهر ۹۳ = ۱۲ اکتبر ۲۰۱۴، یکشنبه سوم صلیب

رساله: فیلیپان فصل ۴ آیه ۴ الی ۲۳

انجیل: متی فصل ۱۵ آیه ۲۱ الی ۳۸

- یکشنبه ۲۷ مهر ۹۳ = ۱۹ اکتبر ۲۰۱۴، یکشنبه چهارم صلیب

رساله: اول قرنتیان فصل ۱۴ آیه ۱ الی ۳ و ۱۲ و ۲۰ الی ۳۳

انجیل: متی فصل ۱۸ آیه ۱ الی ۱۸

- جمعه ۲ آبان ۹۳ = ۲۴ اکتبر ۲۰۱۴، یادبود ایلای نبی

- یکشنبه ۴ آبان ۹۳ = ۲۶ اکتبر ۲۰۱۴، یکشنبه اول موسی و روز انتشار ایمان

رساله: دوم قرنتیان فصل ۱ آیه ۲۳ الی فصل ۲ آیه ۱۶

انجیل: متی فصل ۲۰ آیه ۱ الی ۱۶

بهترین اشخاص، کسانی هستند که اگر
از آن‌ها تعریف کردید خجل شوند، و
اگر بد گفتید، سکوت کنند.

«جبران خلیل جبران»